



ایسترا

هفتمین سال
روزهای
الطباعه خالصه
عاجی انجا و اعلامه روز و قبل از

بیتفیدی
اکتبر ماه فرانسه
اتاقه
سقطه
قیمت اعلان
سطحی و غیره

اعلامه و لیتی

که در سائر دول رسم است مقصود از این است که خیالات ایشان ثابت شده
و بجای وطن داده بجای صعب و سخت بطور جس میفرستد مثل اینکه
در روسیه بهر دولت فرانسه به کاپوت روانه میکنند دولت
ایران هم از تاریخ حال بعد شفا صیقل جایت کرده باشند مقصود
از این اعلان تحقیق و ثبوت بطلان حکم مسور و سایر بوجستان و دیستان خواهد
فرستاد

اعلامه و نجر

ب الامر الاقدس الاعلی سابقا و مقرر شده بود که دارالترجمه بمایون
تأیید و جمعی ترجمین ایرانی که بفرنگستان رفته بوقت و توجه اولیای دولت
تأیید یافته اند و ترجمین خارجی که از دول مختلفه بدر بارهایون آمده اند جمیع
باین تفصیل (آقا میرزا رضای کاشانی) (میرزا یونسکی) میرزا مار
(میرزا علیخان) (میرزا علیقلی) (مار دورو سجان) ترجمه و خدمات مرجع
از دوحسب الامر الاعلی از تاریخ پستم شهر شعبان المعظم دارالترجمه
که سمت انعقاد خواهد یافت در سایه غایت بندگان اقدس علیحضرت
و قدرت شاهی سوای دوشنبه و جمعه مجلس دارالترجمه منعقد خواهد بود
و اوج استه مختلفه و ترقی این صنعت و مملکت محروسه مقرر و اعلام
که در ایام تحصیل بهر روز از دو ساعت بغروب مآذ تا هنگام غروب
از اول و خارجه از چهار زبان تدریس نمایند زبان فرانسه زبان
روس زبان ترکی اسلاوی و هر کس از اعلای و ادانی در وقت
از دارالترجمه حاضر شود به و نیکه چیزی از او خواسته باشند قبول نمود

جنانا و راهبریک ازین چهار زبان میل بهشی آموزشی آموزنده محض اعلام عمومی
درین روزنامه مبارکه سمت الطباع یافت
پس از عرض این فقره خدمت اولیای دولت قاهره جناب جلالتمآب
په سالار عظمی اجرای این امر و انطباع این اعلان بطبوع طبع افتاد
در ذیل سواد آن بخط خود مرقوم داشته بودند

آخرین بر صنیع آله و له فکر خوبی کرده است ان شاء الله
در سایه هایون شاهی شاه ظل الله
فداه شایع خوب خواهد داد ع
شعبان المعظم ۱۲۸۳

اخبار سرب

در بارهایون روز شنبه پست و نهم جادمی الاخره علمای اعلام
و مجتهدین ذوالعز و الاحرام مقصده الاسامی بحضور مهر طهور علیحضرت بهایون
شاهی خلد اند که وسطه شرف جسته جناب آقا سید صادق محمد نجیب
صدر اعظم جناب امام جمعه جناب حاجی ملا رفیع محمد رشتی (وزیر اد
عظام نیز در تیر و زور شورای خاص حضور بهایون مشرف گردیدند
حاجی ظهیر آله و له اشیک آقاسی باشی از طرف قرین الشرف بهایون بوزارت
عدلیه سرافراز گردید

بقیمت روزنامه سفیران زندا
که بدست خط میبارانند
شماره ۱۲۸۳

روز پنجشنبه غنچه محفل الحرام امروز در آمل توقف است صبح هوا با آلوده
ابر بود و کمنوع کرفکی و خنکی داشت غبار آلود و گرم بود بنا بود تا مار در او حی آب

تفصیل سفر کابینه اطلس به کنت قطره شامی و مسیحی ترجمه بندگی کاظمین

کانت هنر کشتی فرورداد واسطه تاستان قریب بحریه بخشی که مقصد اصلی ملاکان و سطح نظار اس بود رسید بجهت وصول بحریه مزبور
بودند نسبت بنایر ضعیفی دریای شمال شک ترو بین واسطه جور سفین از آنجا صعب تر بود و پارچهای یخ را که با شمال از قطبست
مایل میانه بسبب ضیق مجر در یخ بودند روی بهم نوعی تراکم شده بودند که مجر غیر مقدور بود اطراس که بجهت وصول بحریه لبتی طریق جز
نیست و اگر هم بود اقلاد و ماه دیگر کشتی فرورداد باید رجوع قهرمانوده طی طریق کند و بعد از آنکه خلیجی که باید مجر از آنها نمود چون فصل یازدهم
از سیدن بحریه مذکور ممکن نبود ناچار بعد از مشوره با صاحب منصبان کاپتان اطراس قرار داد که آتش کورای بخار را خاموش کنند و یک را
مخاموش داشته باشند فرصت برند که هر وقت باد مراد وزیدن گرفت و قطعات آکنده یخ را بر آکنده ساخت علی الفور کشتی را حرکت داده
اصول سازند و پنج روز تمام از صبح تا شام باین امید و نوید بسر برد و روز چهارم از حالت ملاکان استنباط مرکبی از زانویه ایشان مشاهده جلیلا
را که بهر پیر بود آنها را ساکت کرده غط فرج بود که بخت بلند او را یاری کرده طرز و زنجیر با شدیدی وزیدن گرفته قطعات متراکم را مفصل شد

لجسار و کلاها

گرمیان

وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان محض و فادان
 مردم و تحصیل دعای بقای عمر و دولت ابد مدت بهایون حکم نموده هر روز
 کدم فادان از اطراف شهر می آورند و در میدان شاه و کاروانسرا
 شهر بقرابله قیمت از آن می فروشند و نان و سایر ماکولات نیز در آن
 خوب و فادان است آتاریج قدری کرات
 بجهت تقای تعیارات روز بروز در شتر است و امور ولایت نظم کامل
 و محصولات صیفی بسیار خوب است
 سابقا بعضی مردمان غیر مندرین بنای ساختن نوشتجات شرعی که اکثر
 کشف مسلم وکیل الملک مرتجعین را تنبیه و ترغیب راتبه نموده اند
 امور شرعی منظم است
 از قاریک اسمعیل خان ضابطه رفسنجان و پاریز و انار و ناظم امور
 کرمانشاهان و شمس و زین الدین نوشته بوده بجهت نفر سوار از مرز
 گذشته بطرف قریح رفته بودند بچهار نفر از اهل یزد و غیره که باقی
 و چار شده و آن چهار نفر مقتول و اموال آنها را منسوب نموده
 چون مجور ایشان میانه شمس و کرمانشاهان می افتد قراول لشکریان
 سر کرده قراولان را جریمه بچین یک با نفر قفسکی حاضر تعاقب
 شتافته و در هنگام غروب آنها را بجای قیافه بود که مشغول خوردن
 دردی بوده اند بقتل در میان ایشان شلیک نموده آنها را بتبع کانی
 میانه شتران مسروق خارج نمود هفت نفر شتر با بعضی اموال
 گردانیده بود و از همان شلیک یکی از آنها گرفتار شده و نیز اسب
 در دمان گیر آمده بود با بجهت خواه را بصاحبانش رسانده قض وصول
 داشته است اگر چه کشته بودند که چهار صد تومان نقد از مال حاجی
 و هفت تومان جنس از آن محبس در میان اموال بوده که در دمان
 گیر و در از میان رفته اند و تبرک اسب بسته از چنگ لشکریان
 وکیل الملک محض اطلاع ازین خبر بخرم و علاوه بر پست و پنج نفر سوار و چهل
 جازه سوار معمول نموده بجهت حفظ و صراست دما و اموال قواقل

صرف شود موقوف شد محاسبات میرزا صادق خان استرآباد ویرا بخت
 ملاحظه نمودیم پس از آن علماء اهل باین تفصیل بحضور آمدند آقا میرزا حسن مجتهد
 نیای (آقا ابوطالب اسکی) ملا حسین رستاقی (ملا بنی رستاقی) آقا
 پسر مرحوم ملا صابر قدری با آنها صحبت شد مریض شده رفته بعد بنای تعزیه
 داری خاس آل عبا حضرت سید الشهدا علیه السلام شد و روضه خوانها بدین
 بحضور آمدند دو پسر بزرگ و کوچک مرحوم سلطان آذاکرین (ملا آقا جان
 کاشی) سید محلاتی (پسر ملا صادق ترک) (پسر مرحوم ملا قاسم رشتی) برادر
 مرحوم حاجی میرزا احمد سید ابوطالب رفسنی (ملا آقا کوچک) هر یک روضه
 خوانده رفته پیشه متان در حضور بودند پس از مراسم خواندن کی آسایش نمود
 خوابدم ساعت بغروب مانده سوار شده با وحی آباد ریشم اعتقاد الدوله
 محی خان (علیه ضیاع) آقا علی (ادیب الملک) حاجی میرزا علی (سید باغ خان) محمد
 رحیم خان (عمده خلوت و بعضی نوکران در رکاب بودند در اوجی آباد اول و
 دیوانخانه خوبی شدیم تالار و حوض باشکوهی داشت مرحوم عبا سقینان
 لاریجانی ساخته بود بعد از دباغ کوچک دیوار کوتاه با روح و صفائی شیم
 خیلی خوش وضع درختهای مرکبات قدیم را بریده پیوند نموده بودند باغ
 جدید البنا بود از آنجا بخاوتی کوچک رفتهیم به محل سرخ بود در حقیقت
 کاستانی خوب منظر خوش آب و هوایی بود آینه خانه داشت اگر چه کم آینه بود اما
 به وضع نبود این خلوت و باغ کوچک از بناهای این عبا سقینان پسر مرحوم
 عبا سقینان قدیم است عصانه آورده اند که خوریم درخت بورتغال خوب
 ملاحظه شد خیلی با طراوت و شکوه بعد سوار شده بجانب منزل غریبه نمودیم
 اسباب شکار خوک و شکارچی همه موجود بود ولی محض احترام محرم که ماه صحر
 و ما هم است رغبت بشکار نداشتیم اعتقاد الدوله از دنبال آمده خوک شکار نمود
 بود پس از ورود بمنزل بجام رفته در حجام نماز نموده مقارن غروب از حجام
 پیرون آمدیم پس از شام قورق شد بلیله الدوله (میرزا هدایت مستوفی) وکیل لشکر
 اعتقاد الدوله حاجب الدوله احضار شدند بفرستد که اردو را نصف کنند
 این اشخاص و بعضی غلامان و سواران با اعتقاد الدوله از علی آباد مریض شده
 از راه نرگجور رود بابرطهران بودند بعد ازین قرار داد میسل با سایش نموده
 خوابدم

اندک معبری از گنهای پنج پدیدار شده اطراس فرصت غنیمت یافته بلا تا قلم حکم برانند کشتی داد پست و هشت ساعت تقریباً با کمال سستی راه پیوده
 عصری به ماغذ و الکس و اصل شدند از عجایب آنکه با وجود یک نوبت پنج دوند بقطب شمال نزدیکتر شده بودند در دماغذ و الکس برف بود و
 قطعات یخ و جمیع اراضی ساحل سرخ رنگ بود بطوریکه آب دریا از آنکاس کوههای اطراف سرخ رنگ شده بود بهر کج که نظر می جنبه نه خرم
 تمام ملاکان حتی کایان اطراس ازین فقره حیرت داشتند مگر ثونسون که در ۱۸۵۰ مسیح در کشتی موسوم به فوگس سمت ملاجی باین
 از کیفیت مطلع بود و در کنگلانی چنانچه مکرر ذکر شد و احساس و مشاهده عجایب فی الواقع یک نوع قوتی داشت حالت بی اعتنائی رفته و شورش
 رفته گفت بچه دلیل از مشاهده چنین چیزهایی که همراهِ حیرت انداخته تو آسوده نشسته بپوشه اظهار شکشی نمیکنی ثونسون گفت این حرمت که شادمان
 پنج دلیل ندارد جز اینکه اراضی اطراف این دریا خاک سرخ رنگ است و چون مادر کنر سا حل عبور میکنیم و عکس جبال و اراضی مرتفعه اطراف
 افتاده چنین گمان میکنیم که در هوا حیرت است و در کنگلانی بعد از قشدری نفوذ است که ثونسون در قول خود صادق است باین
 تفصیل آگاه گردانیده همه آسوده شدند و دو ساعت از شب گذشته کشتی قرار داد و در دماغذ و الکس کردید کایان اطراس
 و قاعه را در اطلاق خود احضار کرده نقشه مبسوط قطب شمال را که با خود داشت کشوده بآنها نموده بشارت داد که شما مسافرتی به جبال

و مرد دین و عالمین و جوه امانت و چا پاران فرستاده اند
 و من دستجات سرباز فوج شوکت را که درین دسا خلو بودند وکیل الملک
 تبارک نموده در او اضرماه گذشته بدار العباد فرستاده است
 و بجهان افشار در میدان توپخانه بهر روز با کمال شکوه مشق نظام مشغول
 و امور قورخانه کرمان منظم و مضبوط است و اسب و توپخانه را خوب
 نگاهداری نموده و بنمایند
 فوج قدیم کرمان در خارج دروازه ارک با کمال نظم و شکوه مشق نظام
 مشغول باشد علی آقای سرهنگ فوج مزبور در نظم امور خدمات شایسته
 و مراقبات بایسته منظور میدارد وکیل الملک از خدمات مشارالیه را رضی
 بوده است

موجب نه ماهه فوج مزبور را حواله نموده و سیورسات آحاد و افراد را
 ماه به ماه بدقت میرسانند (۱۰) طبوس و کلاه و بچین فوج مزبور تمام شده
 تا مارا بفوج داده اند

اخبار غنیمت

سواد کاغذ منیر عبدالرحیم خان ساعد الملک وزیر مختار و بطریق مخصوص و ملت علی
 نقی دربار دولت روس است که از نظر یونوغ بر دین نامه نکاد و تخلص مؤرخه ۱۳۰۲
 آقای من و چیز در دنیا موجب ترقی و تربیت من شده اول تصحیح اعمال من
 دوم تحسین اعمال من و این دو امر معظم هیچ چیز در دنیا نمی تواند چنانکه لازم است
 پرده از روی آن بردارد و مکر دستگاه روزنامه که عمده ترین امانت پادشاهان
 رعیت پرور است دستگاه روزنامه در حقیقت آینه احوال همان مملکت است
 و کمال بی انصافی خواهد بود که عیب خلایک را زعدم اصلاح و ملامت در ترقی پیش
 و اعمال صواب کار از عدم تحسین و ضعف و مثل بناید با خیالت بهیچ ملت دنیا
 بی ترقی باقی خواهد بود از هر مملکتی که تا قی در پیمان اعلام برخیزد
 از حالات ناگوار و غلظت مملکت داری که بها و موجب رنجش کسی از داخل شود
 این خیالات شما با آنکه علم و اطلاعات که دارید کمال منافات را دارد و آلا این
 فخر را باید شاخوب بداند از خبری و کلی احوالاتی دولت نیست که در اروپا
 منتشر شود و ثانیاً در که ام مملکت اور و پاست که لایق قطع و علی التوالی عیهای
 غریب و جرم و خیانت های عجیب هر روز بروز کند معایب موجب تنگ هیچ
 دولتی نشود و تنگ دولتی وقتی است که در مقام پیشه و اصلاح معایب اتفاق برنجیزد
 و کجماه طریقه بلند پادشاه دین پناه در مراسم حفظنا موسس ملک و ملت و ملت
 ایشان در دفع معایب و اصلاح احوال خلق و استقرار نظم و آسایش ملی ایران
 برگاه در نظر ثانی اروپا مجهول باشد و یقیناً نیست در نظر جمیع مردم و تاریخ دانان
 ایران مخفی پوشیده نیست و حال آنکه در نزد همه دول متجاوئیه مشهور و معروف است
 که ایران در عرصه گذشته خود چنین پادشاه با حسن نیت و رعیت پروری ابد انداخته است
 باری حالاً که دستگاه روزنامه دار الخلافه از حسن نظر و انتخاب اولیای دولت
 علیه بدست شما سپرده شده که آگاه را و ضناع داخل و خارج است قدری قدم
 بهت پیش گذارید و احوالات داخله را و سعیتی بهیچ بلکه انشا الله روزنامه
 شما اصلاح بعضی معایب را که همیشه در پرده خفا بوده بوجه کامل بنمایید و ارم

اینرا سله بی غرضانه من باعث از دیاد سلیقه شما کرد و زیاده چه زحمت دهد
 مؤرخه شهر رجب المرجب

خارجی

روس در روزنامه سنت بطر یورخ مسطور است که از جهت بر
 و طور مرض و باد مرگ و مجمع حافظ الصحة مریضیهای موقتی چند در جمیع محلات
 شهر مقرر نموده و اطبای حاذق بجهت موافقت مرضی قرار داده اند اسامی اطباء
 شهر را ثبت نموده و بدیوارهای محلات چسبانیده اند که مردم مطلع شوند
 که بجهت ابتلای اشخاص بمعالجه پر دازند بعلاده موافقت تمام دارند که در بازار
 میوجبات بد بفرودش نرسد

فرانسوا فی روزنامه پاری اعتشاش و یاغیکری مملکت انگلیر
 که ظاهر خواهد بود و رفع شورش شده بود مجدداً در اکثری از انالی آن مملکت
 این اعتشاش برپا شده و شدت یافته است بجهت قلع و قمع یاغیان قشونی
 نامور نموده اند از جمله قشونی تاکنون از شهر تولوز که در جنوب فرانسه
 واقع است نامور گردیده و هر چند این اعتشاش شدید و موجب استیغاش
 مردم گردیده است ولی اکنون که در مقام رفع آن برآمده اند امیدواری
 دارند که دفع شود و لکن از قراریکه نوشته اند بجهت دشمنی نمودن یاغیان
 که باعث فتنه و فساد اکثری از بلاد شده اند مشتاد هزار نفر قشون مسلح
 لازم خواهد بود و تحمل مخارج گراف باید نمود

عثمانی

مؤرخه دو اردیبه ماه او در خصوص ترقی و یاغیکری طایفه
 شمر نوشته بود که از غایت طغیان بشهر تبریز و حول و حوش آن
 حمله ور گشته از نهب و غارت دقیقه فرونگذاشته اند از جانب دولت
 برای رفع ماده فساد و آسایش و آرامش عباد و بلاد قشونی مرکب از یک
 دریمان سواره نظام و هفت باآلیان پایده نظام بسرکردگی اسمعیل
 پاشا مستقر و نامور شده اند که در اطفا دایره شرارت و اندفاع ماه نهب و
 غارت آنها فوق العاده است تمام نموده جمعیت آنها را رانده و مقهور ساخته
 حتی المصده و از قتل و سب و آفات طایفه کوتاهی نمایند ما مورین در قلع و
 قمع یاغیان کوشیده آنها را مغلوب و منکوب نموده و از ایشان بسیار
 باسیری بردند که بعضی از جماعت شیخ بودند که قیمت کلی از شورش ایشان
 از سمت جنوب فرار خست مار نمودند و محل توقش و توهم بوده است که مباد
 که بعد ازری تبیه عده و عدتی نموده بشارت و عناد بر خیزند و فساد
 برانجیزند

و از قراریکه از عصب خبر رسیده است بواسطه دزدی و راهزنی که در میان
 بلاد موصل و هاردن روی داده است و کارو امان را غارت
 نموده اند رسم مراد و ت در میان ولایات مزبور بهیچ مسدود گردیده است

اسپانیای موافق اخباری که از بنوهرک میرسد مؤرخه ۱۳۰۲

ایلی حادان که واقعه جزیره کوبا و متعلق بملکت اسپانیاست تحریک بعضی سفیدین بهوای خود سری افتاد و بنای یاجیکری می گذاشته اند و دولت اسپانیا شوریه طالب آزادی گردیده اند دولت مشایر الیهما بجهت دفع شرارتها سپاهی مأمور و سرداری معین داشته قشون مزبور بجوالی شهر مذکور رسیده و بحاربت و معاتمت مشغول گردیده اند جمعی کثیر از یاجیان کشته شده و غنیمت طبع و منقاد شده اند لکن هنوز آنصفحت دوچار انقلابات زیاد و بیشتر قشون مزبور با طوائف مذکوره در ستیز و آویز شده آنچه تحقیق معلوم یاجیان معذور و مأمور است که سپاه غنور اسپانیا خواهانند

اخبار مختلفه

فان الخلافه محله عودک لجان صبح روز شنبه خبر داد برنده شب مزبور از خانه علیخان قاجار بتهلادی مبلغ یک هزار تومان وجه پیرایه و صاحبقران برده اند حاجی میرزا تقی وکیل آرخای با بختی از وضع دزدی و چا و مکان شخوه معلوم نمایند که از خارج احدی با بختی آمده است دکا رابل خانه و نوکراست که از جا و مکان شخوه اطلاع داشته اند با اطلاع محمد علیخان میرزا فطیه قرار شده که همسایه های خانه جزو دهند و آنشب را با صلح خاک اندازان نمایند هرگاه شخوه را بجای خود انداختند قضا مطلوب و الا از کسانیکان بکار با بختی میروند مطالبه شود بهمانشب نصف شخوه را بجای خود انداخته بودند و حد بتعین پیوسته بود ثانیاً تهدیدی در نیاب شده شب دیگر ثانی از آن شخوه نیز بجای خود آمده بود و مجدداً تهدیدات در نیاب شده و تا چند شب دیگر تمام شخوه را بجای خود انداخته بودند و صاحب شخوه آسوده شده به عاکولی پرداخته است

ولايات

اصفهان یکی از نوان ولایت صفهان رسم به پیش گرفته اند از تکه افعال ناصواب اجتناب ننمود برادری که داشت آنچه او را بصلحت پیش نمود تهدید و وعید اظهار داشت سفید نیشار و زوی او را ضربتی زده شربت هلاک چنانچه مادر آن دختر که وارث او بود در محضر شرع و مجلس عرف از قتل او اظهار توبه کرد و از پسر اعلام رضامندی نمود و به کاری او در دیوان حکومت و زندانهای شریعت کثوف و معلوم گردید متعرض قاتل او که برادر او بوده و از روی غیر بدون اینکه اراده قتل داشته باشد او را ضربت زده نموده اند

در اوقاتی که ناظم الملک به مرض موت مبتلا بود در حوالی مورچه خورت اموال نصرالدین پاک یاور قورخانه را برده بودند حکومت مأموری نزد حینقلین بختیاری روانه داشته مشایر الیه سارق را بدست آورده قدری از مال سر و قدر که تلف نشده بود مسترد و سارقین را با صفهان فرستاده است

قزوین

جبار نام کارز بجهت تدارک معاش خواسته بود تا ظروف خانه خود را بمعرض سیع در آورده و وجه او را مانع گردیده بود از شدت تغییر خود را بجای انداخته و تا چند دقیقه فاصله هلاک شده بود

معادل یکعدل لاسس از مال رسیده نام مکاری (دزخولی) در وزیر بصره قیام کرده بودند پس از عرض بحکومت مأموری روانه جزیره قیام نمودند که سارق معلوم و مال او را مسترد دارد در همانشب که مأمور مزبور بجزیره قیام آمده بود لاسس مزبور را پاسی از شب گذشته آورده در جای خود شش انداخته و بصاحبش رسیده روز دیگر مأمور مزبور با قبض وصول مال سر و قیام بصره مراجعت نمود

خارجیه

انکلیس یکی از قضای انکلیس را که در شهر مالداس واقع در بندر اقامت داشت بزرگ خویش رخت بنود و پیوسته در صد دست ابر بود که بجهت فروش نماید چون بواسطه قانون مذوب عیسوی او را اطلاع نمیتوانست گفت ته پری اندیشیده راه و رسم مسلمانان پیش گرفت و بدین وسیله بی اندیشه و تشویش زنی جدیدة الاسلام که بتازگی در مسجد ولود واقع در بندرستان کیش مسلمانان پذیرفته بود بعبقه تلخ در آورد

بنکی دینا اگر چه از وحشیان نیکی نداشت بسیار نوشته اند لکن چنانچه نیز در آنکه در واقع جای تخمین است و آن اینست که بجن و فاف و فای عهد ستوده اند چنانکه از شهر بنو بول نیکی دنیا نوشته اند که در نکلاس شخصی از طایفه شککو چند سال قبل معروف بقتل نفسی کشته ولی چون ثبوت نرسیده اجرای حکم قصاص در باره او ننموده در این اواخر کثرت آخری که کشته و جرش ثابت گشته بود اندک او را گرفته بقصاص او حکم کرده بود بدین شخص استند عا نموده بود که میت روزه او را همت دهن این سئول بقول مقدون گردیده بدان نغمه نمود که در روز چشم حاضر سیاست گاه بوده باشد و شهرت روانه گشت پس از انقضای مدت همت شخص وحشی از عده عده خود برآید به تعجب تمام بیست سعادت نمود در حالی که مادر و برادر و خواهر و نیز بجهت او آمده بودند ولی این قارب از قتل او بکلی فارغ و مطلقا ملالت از آن حالت در دل نداشت چنان خرم بودند که کویت اعزاز عروسی می پذیرفتند تا بوقت بخت و عیادت داشته بودند شخصی گفت که این توبت برای جبهه او کوچک است برادرش بجهت استخوان خوردن و در توبت خفته پس از آن برخاسته تبسم کنان کشته بود که این توبت با قامت انداز و برابر است در این هنگام هنگام خنده و شوخی در میان افتاده و سخن بجهت میرفت پس از تهیه اسباب قصاص شخص وحشی بر حسب حکم زانو زده و عیادت می نمود و مظهر مرگ شد خواهش چشمهای او برادرش دستهای بسته میرغضبی بغض و قدم بیستاده تفنگ خود را بغض کشیده تفنگ ناکامی بر رفته و کلوه بجای دیگر نشست شخص قاتل بخیل آنکه تفنگ با و خالی شده از شدت و ابر و بدعالمی لرزه بر اندامش افتاده و زبانش از کفزار بازماندینه اش را یکی از برادران بیابوطه آب دهن نشان نموده ثانیاً کلوه بر همان محل نشان وارد آمده جان سپرد جزا در کشتن از گوشه چشم روان بود بر سپای بجهت آن مرکب آسان بود یکی از برادران مادر نصیب آغاز کرد که هر چند زاری می کشی مرده باز خود همان بر که صبرش کنی و دنیا که کار خوش کنی ریش کل در طبعت خود مالک محروم ایران صنایع الدوله محتجفی